

انتظار طولانی کارگران اخراجی فولاد شادگان برای بازگشت به کار باگذشت حدود یک‌سال از بیکاری کارگران بومی شاغل در پروژه ساخت شرکت فولاد شادگان، هنوز این کارگران پیگیر بازگشت به شغل سابق خود هستند.

به گزارش ایلنا، حدود یک‌سال پیش، ۱۰۰ نفر از کارگران بومی شاغل در پروژه ساخت مجتمع عظیم صنعتی فولاد شادگان با اتمام بخش‌هایی از پروژه، به مرور بیکار شده‌اند اما بعد از گذشت ماه‌ها انتظار، هنوز اقدامی در جهت پیگیری وضعیت شغلی این گروه انجام نشده‌است.

به گفته کارگران باشروع به کار مجتمع عظیم صنعتی فولاد شادگان، قرار بود کارفرما کارگران را به کار سابق خود بازگرداند. هر چند کارفرما فعالیت بخش‌هایی را با اتمام ساخت، بعد از چندین ماه با جذب شسماری کارگر غیربومی از سر گرفته و تعداد کمی از کارگران به کار سابق خود بازگشتند اما هنوز حدود ۱۰۰ کارگر تعدیلی در بیرون از این واحد صنعتی پیگیر بازگشت به کار هستند.

در این زمینه یکی از کارگران تعدیلی فولاد شادگان گفت: در این یک‌ساله که بیکار شده‌ام در جستجوی کار به‌واحدهای صنعتی و خدماتی زیادی مراجعه کرده‌ام اما به دلیل شرایط سنی‌ام، تا این لحظه هیچ کاری برای من و سایر همکارانم پیدا نشده‌است.

او گفت: در حالی من و سایر همکارانم به دنبال ایجاد شرایط برای بازگشت به کار هستیم که مسئولان در جلسات مختلف، بارها وعده بازگشت به کار کارگران تعدیلی را مطرح کرده‌اند. او با بیان اینکه شرایط معیشتی خوبی ندارد، گفت: برخی خدماتی و مسافر کشی مشغول کار به‌شده‌اند اما برخی دیگر به دلیل ناتوانی مالی همچنان بیکار هستند. در عین حال با برگزاری آزمون استخدامی قرار بود اولویت جذب با نیروی کار با سابقه بومی باشد اما بعد آزمون مشخص شد اکثر جذب‌شدگان افراد تازه‌کار و از نیروی کار غیربومی هستند.

او با بیان اینکه ما به دنبال اشتغال به کار هستیم، گفت: همه کارگران تعدیلی از بومیان منطقه و شهرستان شادگان هستند و سابقه کارشان ۱۰ تا ۱۵ سال است. اکثریت این کارگران برای تأمین معاش خانواده‌های خود با مشکل روبرو هستند و در خواست‌ماز مدیریت این مجموعه و مسئولان شهرستان، فقط بازگشت به کار است.

■ ■ ■

تجمع بازنشتگان فولاد اصفهان وارد هفتمین روز شد



نزدیک به یک هفته است که بازنشتگان صنعت فولاد اصفهان در اعتراض به عدم وصول مطالبات بازنشتنگی خود، مقابل ساختمان استانداری حاضر می‌شوند.

به گزارش ایلنا، جمعی از بازنشتگان شرکت ذوب آهن اصفهان که برای حل مشکلات در مان خود و دریافت معوقات‌شان از هفته پیش در مقابل استانداری تجمع کرده بودند، دیروز نیز به اعتراض خود ادامه دادند. همچنین جمعی از بازنشتگان فولاد مبارکه نیز که تنها خواسته‌شان اجرای متناسب‌سازی ۳۰درصدی ست، در جمع معترضان حاضر شدند. این گروه از بازنشتگان مشکلات بیمه‌ای و درمانی دارند.

تجمع‌کنندگان که خواستار برقراری فوری بیمه درمانی، پرداخت معوقه متناسب‌سازی و بهبود شرایط معیشتی خود هستند، تأکید کردند: سال جاری آخرین سال اجرای قانون متناسب‌سازی حقوق بازنشتگان است اما ۳۰درصدنهایی این طرح برای بازنشتگان صندوق فولاد که به صندوق کشوری واگذار شده، هنوز اجرایی نشده‌و این موضوع موجب باتکلیفی بازنشتگان شده‌است.

طبق این گزارش، در پیگیری‌های هفت‌روزه بازنشتگان فولاد در اصفهان، مسئولان صندوق بازنشتگان فولاد و شرکت ذوب آهن، توپ را به زمین یکدیگر می‌اندازند و ظاهراً مسئولیت قبول نمی‌کنند.

■ ■ ■

مدیر عامل صندوق بازنشتنگی کشوری: ۶۰درصد بازنشتگان «مستاجر» هستند

مدیر عامل صندوق بازنشتنگی کشوری با بیان اینکه آمار هائشان می‌دهد حدود ۴۰درصد بازنشتگان «مستاجر» هستند، گفت: اگر بتوانیم سهمی در تأمین مسکن یابیم‌سازی و بازسازی واحدهای مسکونی بازنشتگان داشته باشیم به سبب معیشت آنها کمک قابل توجهی کرده‌ایم.

به گزارش ایسنا، ازوجی گفت: حدود یک میلیون و ۹۰۰هزار بازنشته تحت پوشش صندوق کشوری قرار دارند. اگر بتوانیم حتی بخش کوچکی از این جملعه را به صورت سالانه در قالب طرح‌های مناسب، صاحب مسکن کنیم، بازسازی و بهسازی مسکن آنها را انجام دهیم با کیفیت محل سکونتشان را ارتقا دهیم، می‌توانیم کمک قابل توجهی به بهبود شرایط زندگی بازنشتگان داشته باشیم. چنین اقداماتی علاوه بر ارتقای کیفیت زندگی بازنشتگان، می‌تواند در بلندمدت بخشی از فشارهای موجود بر صندوق در حوزه حمایت‌های معیشتی و مسکن را نیز کاهش دهد.

او اشاره به سهم بالای هزینه‌های مسکن و اجاره در سبد هزینه‌ای بازنشتگان، از بررسی رویکرد جدید صندوق برای ساخت و عرضه مسکن ارزان قیمت با اولویت بازنشتگان خبر داد.

ازوجی با بیان اینکه بخش قابل توجهی از بازنشتگان دارای مسکن هستند، گفت: مساله فقط نداشتن مسکن نیست. بسیاری از بازنشتگان صاحب خانه‌هایی هستند که به دلیل فرسودگی، نیازمند بازسازی و بهسازی جدی است. وی افزود: صندوق در حوزه مسکن می‌تواند دو رویکرد را به صورت ترکیبی دنبال کند؛ بخشی از پروژه‌ها با رویکرد تجاری و با هدف بازگشت سرمایه اجرا شود و در کنار آن، با توجه به مسئولیت اجتماعی صندوق، ساخت مسکن ارزان قیمت و عرضه آن با اولویت بازنشتگان نیز مورد توجه قرار گیرد.

ازوجی در بار امکان عرضه این واحدها در قالب تعاونی نیز گفت: این موضوع می‌تواند در طراحی مدل تأمین مسکن مورد بررسی قرار گیرد و واحدهای مسکونی با قیمت مناسب‌تر و متناسب با توان مالی بازنشتگان در اختیار آنان قرار گیرد.

سال‌ها کار کردن، در بدترین شرایط و عرق ریختن و استخوان خرد کردن، برای آنکه نسان آور آبرومند خانواده‌ات باشی، همگی به این امید است که روزی در دوران پیری و از کار افتادگی خیالت راحت باشد، حداقلی از رفاه را تجربه کنی و دستت جلوی دیگران دراز نباشد اما گویا این تصویر برای بسیاری از کارگران ایرانی، رویایی دست‌نیافتنی و محال است. این کابوس زمانی پررنگ‌تر می‌شود که شغل این کارگران، فاقد امنیت شغلی و جغرافیای زندگی‌شان در حاشیه‌ها و استان‌های محروم کشور باشد.

آنچه می‌گوییم شعار و کلی‌گویی نیست؛ داستان تلخ زندگی هزاران کارگر است، به‌ویژه کارگران ساختمانی که سال‌ها سخت‌ترین وظایف ممکن را بر عهده دارند، از داربست‌ها یا لامی روندهای اندک پولی که می‌گیرند، قطره قطره چکیدن سلامتی و فرسایش بدنشان است. آنها عموماً در نهایت دچار هزاران درد و مرض می‌شوند، در حالی که هیچ چتر حمایتی و بیمه‌ای بالای سرشان نیست.

یکی از هزاران قربانی این ساختار بی‌رحم «حبیب‌الله سبزی» است؛ مردی که سال‌ها شرافتمندانه رحمت کشید تا دانشش جلوی کسی دراز نباشد اما در استان پینه‌سته‌اش در برابر هیولای اقتصاد بازار و آزادسازی، توان و رمق کافی برای جنگیدن نداشت. او هر چه تقلا کرد به جایی نرسید و شرایط او را به نقطه‌ای رساند که برخلاف میل باطنی‌اش، فریاد کمک‌خواهی سر دهد.

حبیب‌الله ۲۰سال در شهر میروان کارگر ساختمانی بود و اکنون هزینه‌های کمرشکن در مان، او را زمین‌گیر کرده‌است. نبود چتر بیمه‌ای، امروز او را به این روزگار سخت و جانکاه کشانده‌است. بهتر است در دو رنج این سال‌ها را بی‌واسطه از زبان خود او بشنویم.

زندگی متصل به کیسول اکسیژن
«۵۸سالمه و تقریباً ۱۵ساله که کلاً از کار افتادم. ری‌هام مشکل اساسی داره و هم‌زمان کبد، معده و بقیه اعضای بدنم هم درگیر شدن. هر ماه باید حداقل ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومن فقط پول دارو هام رو بدم. از ۱۵سال پیش که مشکل شدید ری‌ه پیدا کردم، دیگه نتونستم برم سر کار. منی که ۲۰سال تمام روی داربست‌ها و تواسختمون‌ها کارگری کردم، حالا نس می‌ندارم. هیچ بیمه‌ای ندارم یعنی تنها چیزی که دارم همین بیمه روستاییه که عملاً دردی رو دوا نمی‌کنه. تو تمام این مدت، خرج سنگین دارو و درمان رو با هزار بدبختی و

کردستان از لحاظ شاخص‌های اقتصادی و رفاهی در قعر جدول کشور قرار دارد و این بن‌بست معیشتی، کارگران را ناچار کرده تا برای یافتن کار به کردستان عراق یا حتی کشور ارمنستان مهاجرت کنند

قرض و با کمک مردم هم جور کردم. دو تا دختر دارم که بیکشون تازه کلاس ششم دبستانه. الان هم که دارم با ششما صحبت می‌کنم، کیسول اکسیژن بهم وصله و با این دستگاه نفس می‌کشم. اگر بیاید خونه‌ام روز نزدیک ببینید، خودتون با چشم می‌بینید. چهار طرف خونه مشکل داره، لوله‌های آب مدام نشستی دارن و چکه می‌کنن. نه پولی دارم که در ستنش کنم، نه اقامعی شه با این وضع و با داشتن بچه‌مدرسه‌ای زندگی کرد.

مریضی من سال‌ها پیش از روزی شروع شد که اومدم برم سسر کار ولی دیدم اصلاً نمی‌تونم روی پام و ایستم، وقتی افتادم دنبال دکتر و درمان، بهم گفتن آسم شدید داری و همون موقع تو بیمارستان بستری شدم. به خدا، اصلاً دوست ندارم تو این شرایط باشم و دستم جلو کسی دراز نباشه اما واقعیتش اینه که در ماه فقط ۳۰ میلیون تومن خرج دارو و دکتر می‌می‌شه. این جذا از هزینه‌های خورد و خوراک خانواده و بچه‌هامه. با این وضعیت گرونی، دیگه واقعا نمی‌تونم چطور ی باید به این زندگی ادامه بدم و چیکار باید بکنم.»

روایتی از استخوان‌های خردشده

صحبت‌های حبیب‌الله، نشان از رنجی عمیق دارد که تنها مختص به او نیست و در مشترک بسیاری از کارگران ساختمانی تمامی مزدبگیرانی است که از امنیت شغلی و چتر تأمین اجتماعی محروم‌اند. این وضعیت اسفبار به حبیب‌الله و شهر میروان محدود نمی‌شود و گر بیابگیر طیف وسیعی از کارگران است.

برای واکاوی این بحران انسانی و شناخت دقیق تربعاد آن، سراغ «کیان‌تلا صدیقی»، رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان و عضو هیات مدیره کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی کردستان رفتیم.

صدیقی در تبیین شرایط بحرنگ کارگران ساختمانی و کولبران در میروان و استان کردستان، شرایط را بسیار وخیم توصیف کرده و با اشاره به تورم افسار گسیخته، به الیامی می‌گوید: «متأسفانه شرایط اقتصادی کشور به سمت وخامت بی‌سابقه‌ای پیش می‌رود که تأثیر ویرانگر آن، چه از نظر روانی و چه اقتصادی، مستقیماً بر سفره و معیشت کارگران آوار شده‌است. بسیاری از اقلام خوراکی مانند گوشت، مرغ و برنج مدت‌هاست که از سفره کارگران حذف شده‌اند و امروز این کمبودها حتی به حذف میوه نیز رسیده طوری که یک کارگر در ماه نمی‌تواند حتی دو کیلو میوه برای خانواده‌اش تهیه کند».

وی با تأکید بر اینکه استان‌های مرزی کشور به دلیل فقدان اقتصاد مادر و نبود کار خراجات، شرایط به مراتب دشوارتری دارند، می‌افزاید: «این خلأ اقتصادی باعث شده تا کارگران برای زنده ماندن، به مشاغل غیر رسمی و پر خطری همچون دست‌فروشی، کارگری ساختمانی و کولبری روی بیاورند. اولویت امروز کارگران در این مناطق، تنها زنده ماندن است نه داشتن شرایطی برای زندگی کردن. کردستان از لحاظ شاخص‌های اقتصادی و رفاهی در قعر جدول کشور قرار دارد و این

یک «کارگر ساختمانی»: ماهی ۳۰ میلیون خرج دوا و کیسول اکسیژن می‌کنم!

روایت حبیب‌الله؛ مرثیه‌ای بی‌پایان برای عدالت گمشده



بن‌بست معیشتی، کارگران را ناچار کرده تا برای یافتن کار به کردستان عراق یا حتی کشور ارمنستان مهاجرت کنند. البته این تراژدی تلخ تنها مختص به کارگران کرد استان کردستان نیست و در جست‌وجوی لقمه‌ای نان، راهی ارمنستان می‌شوند؛ جایی که با نابرابری، ظلم، دستمزدهای پایین و عدم اعتماد کارفرما مواجه می‌شوند.»

برای بیش از ۴۰کولبر قطع نخاعی در میروان و سروآباد تشکیل پرونده داده‌ایم. در مجموع نزدیک به ۱۰۰کارگر و کولبر از کار افتاده تحت پوشش مؤسسه ما هستند و این تازه آمار کسانی است که ما به مراجعه کرده‌اند

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی میروان، ثمره این وضعیت را افزایش هولناک حوادث کار دانسته و با اشاره به وضعیت ناگوار کولبران خاطرنشان می‌کند: «فضای کار برای کولبران امنیتی و سخت‌است. مرزهای اردنی کاملاً مسدود بود و اکنون نیز که کمی باز شده، کولبران گاهی هدف تیراندازی قرار می‌گیرند و جان خود را از دست می‌دهند. مثلاً چند وقت پیش، شاهد جان باختن یک کولبر ۴۰ساله «حامی کارگران» در مرزبان برای حمایت

در حال حاضر تنها در استان کردستان، نزدیک به ۲۰ تا ۲۵هزار نفر حدود پنج، شش سال است که در صف انتظار بیمه کارگران ساختمانی قرار دارند.»

وی راجع به عملکرد سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید: «تأمین اجتماعی نهاده‌ی است که نه پاسخگوی بیمه‌شدگان خود است و نه به سه‌جانبه‌گرایی اعتقادی دارد. این سازمان حتی در ایام جنگ روند بازرسی‌ها و قطع بیمه کارگران را متوقف نکرد. سالانه نزدیک به دو هزار میلیارد تومان از منابع این سازمان به کارگزاری‌ها پرداخت می‌شود تا هر چند ماه یکبار کارگران ساختمانی را بازرسی کنند. اخیراً نیز مصوب کرده‌اند که کارگر باید هر یک یا دو ماه آدرس جدید خود را در سامانه ثبت کند که همین امر بهانه‌ای برای حذف بیمه بسیاری از کارگران شده‌است.»

صدیقی در پایان با ارائه آماری تکان‌دهنده از قربانیان حوادث کار در منطقه کردستان و میروان، می‌گوید: «ما تنها در شهر میروان ۹کارگر ساختمانی داریم که دچار قطع نخاع شده‌اند. همچنین برای بیش از ۴۰کولبر قطع نخاعی در میروان و سروآباد تشکیل پرونده داده‌ایم. در مجموع نزدیک به ۱۰۰کارگر و کولبر از کار افتاده تحت پوشش مؤسسه ما هستند و این تازه آمار کسانی است که به ما مراجعه کرده‌اند. چه بسیار کارگرانی که توانایی کار ندارند اما به دلیل حفظ غرورشان، خانه‌نشین‌اند و از کسی تقاضای کمک نمی‌کنند».

«جان» تاوان نان

پایان این گزارش، آغاز یک مرثیه بی‌پایان برای عدالت گمشده‌است. آیا حبیب‌الله سبزی و تمامی هم‌سرنانشان از کارگران ایستاده در داربست‌ها تا کولبرانی که زیر بار سنگین نابرابری در کوهستان‌ها یخ می‌زنند انسان‌هایی تن‌پرور و فراری از کار بودند؟ آیا آنها زحمت نکشیدند؟ آنها سال‌ها شرافتمندانه‌ترین نبر را برای بقا انجام دادند و به‌سای زنده ماندن خود و خانواده‌شان را با قطره قطره خون، جوانی و سلامتشان پرداختند تا امروز چنین بی‌رحمانه در کنج خانه‌ای نمود، به کیسول اکسیژن پناه ببرند.

چرا کارگر ناچار است جانش را کف دست بگذارد و «شهید راه نان» شود؟ چه ساختار طبقاتی در حال بازتولید و تکرار است که در همین جامعه و در زادیوم همین کارگران، سوداگرانی زندگی می‌کنند که خرج تزیینات و تعویض ماشین‌فرزندانشان، از کل درآمد یک‌عمر کارگری حبیب‌الله وامثال او بیشتر است؟ این ثروت‌های افسانه‌ای از کجا آمده‌است؟!

سوال اساسی اینجاست: اگر تأمین اجتماعی به وظایف قانونی خود عمل می‌کرد و حبیب‌الله پس از ۲۰سال جان‌کندن، امروز بیمه و مستمری از کار افتادگی داشت، آیا باز هم در ۵۸سالگی برای تأمین هزینه‌های اسیری تنفسی‌اش سرمنده خانواده‌اش بود؟ آیا بی‌مسئولیتی، نگاه لایالی به انسان و سیاست‌های ضد کارگری، عامل اصلی این فاجع خاموش نیست؟

امروز حبیب‌الله نفس کم آورده‌اند و حتی یک کیسول اکسیژن ساده هم از آنها دریغ شده‌است. حاصل یک عمر تلاش و جان‌کندن حبیب‌الله، امروز کجاست و به جیب چه کسانی سرزیر شده‌است؟!



دارویی و کارکنان دارو خانه‌ها بیش از گذشته مورد توجه مسئولان قرار گیرد و مسائل مربوط به حقوق، بیمه، امنیت شغلی، ساعات کاری و شرایط محیط کار آنها به صورت جدی پیگیری شود. نباید مشکلات اقتصادی موجود بهانه‌ای برای تضییع حقوق کارکنان دارو خانه‌ها باشد. از طرف دیگر، برای اینکه دارو خانه‌ها بتوانند حقوق و مزایای کارکنان خود را منظم پرداخت کنند، باید مطالبات آنها نیز از سوی بیمه‌ها در موعد مقرر پرداخت شود.

خبر

عدم پرداخت مطالبات معوقه کارکنان علوم پزشکی زاهدان

مأموریت و حق مسکن کارکنان مربوط به شهر یورماه ۱۴۰۴ است و با گذشت حدود یک سال، تاکنون هیچ پرداختی بابت این مطالبات انجام نشده‌است. طبق گفته کارکنان این مجموعه، «این مطالبات مربوط به کارکنان مجموعه دانشگاه علوم پزشکی زاهدان و مراکز و واحدهای تابعه آن، جمله شهرستان خاش و مناطقی اطراف است و عدم پرداخت آنها طی یک سال گذشته، مشکلات مالی و معیشتی برای کارکنان ایجاد کرده‌است.»

آنسابه نیابت از کارکنان شرکتی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، از مسئولان دانشگاه علوم پزشکی درخواست کردند به مساله تأمین بودجه برای پرداخت حق مأموریت و حق مسکن کارکنان علوم پزشکی زاهدان ورود کرده و زمان پرداخت آن را بعد از یک سال مشخص کنند.



شماری از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان از عدم پرداخت یک‌ساله حق مأموریت و حق مسکن خود خبر دادند و خواستار رسیدگی به مطالبات معوقه‌شان شدند. به گزارش ایسنا، آنها افزودند که آخرین پرداخت حق